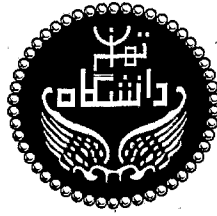


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

100/73/ AKH

987.1



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

جهانی شدن و سیاست خارجی خاتمی

(۱۳۸۴-۱۳۷۶)

نگارش:

محمد جواد رنجکش

استاد راهنما:

دکتر محمد علی شیرخانی

اساتید مشاور:

دکتر محمد رضا تخشید - دکتر احمد ساعی

کتابخانه اساتید راهنما و مشاوران  
موسسه تخصصی زبان

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۱

رساله برای دریافت درجه دکترا

در رشته روابط بین‌الملل

زمستان ۱۳۸۶

۹۸۶۵۸



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی روابط بین الملل  
گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : محمد جواد رنجکش

گرایش :

در رشته : روابط بین الملل

با عنوان : جهانی شدن و سیاست خارجی ایران : در دوران آقای خاتمی

را در تاریخ : ۱۳۸۶/۱۱/۲ با درجه خوب ارزیابی نمود .

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر محمد شیرخانی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محمد رضا تخشید	استادیار	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر احمد ساعی	دانشیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر حسین سلیمی	دانشیار	دانشگاه علامه	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر محمد نیاوندیان		پژوهشکده مطالعات انسانی	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر محمد هادی سمتی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر بهرام مستقیمی	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر محمد هادی سمتی	استادیار	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد





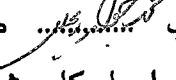
جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب  متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء 

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فکس : ۶۴۹۷۳۱۴

## مهربان همسر

گرچه رسم مالوف مؤلفان و عهد معهود نویسندگان بر آن است که آثار مکتوب خود را به اخلاف یا اسلاف محبوب خود پیشکش نمایند، اما به راستی راقم این سطور عاجز از آن است که تمام مکنونات و مشحونات قلب کوچک خود را در پیشگاه بزرگت از زبان واژه‌های تنگ و محدود بیان کند.

اما

ناگریز و ناگزیر از آنم که تمام صبر و شکیبایی، همراهی و همدلی و نگاههای عاشقانه و عارفانه‌ات را در طول این سالیان چند، که مشوق و مدد رسان این حقیر بود و نگارش این مرقومه را ممکن ساخت، ارج گذارده و روح والایت را بستایم.

## چکیده

یکی از واژه‌هایی که در دو سه دهه اخیر در محافل آکادمیک مطرح گردیده، واژه یا اصطلاح «جهانی شدن» میباشد. که تقریباً همه رشته‌های علوم علی‌الخصوص علوم انسانی و در میان آنها رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی را فرا گرفته است. بسته به اینکه ریشه تاریخی این پدیده را در کدام وهله بررسی نمائیم یا از کدام زاویه دانش بشری به آن نگاه بيفکنیم، تعاریف متعدد و متکثری از آن متصور می‌باشد.

آنچه در این بین شایان اهمیت می‌باشد آنکه علیرغم تعاریف متعددی که از این اصطلاح ارائه گردیده است، این پدیده به عنوان یکی واقعیت ملموس و عینی، در عین حال که خود معلول عواملی همچون تغییر محیط بین‌الملل از بعد ژئوپلیتیک به «ژئواکونومیک»، پایان جنگ سرد و پیشرفت حیرت انگیز فناوری ارتباطات و اطلاعات است، در نقش یک متغیر مستقل بر کلیه ابعاد زندگی بشری تأثیر گذار بوده است.

یکی از پدیده‌هایی که به شدت متأثر از عامل جهانی شدن می‌باشد، سیاست خارجی کلیه کشورهای دنیا و در این پژوهش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو دوره ریاست جمهوری آقای حجت الاسلام سید محمد خاتمی (۸۴-۱۳۷۶) و تغییر ماهوی و شکلی آن در مقایسه با دوره‌های پیشین و اسلاف خود می‌باشد. قطعاً سیاست خارجی ایران در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی همچون وقوع انقلاب اسلامی (عامل داخلی) و نظام بین‌الملل دو قطبی و فضای جنگ سرد (عامل بیرونی) شکل یافته بود، تفاوت‌های فاحشی با سیاست خارجی زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی دارد که بررسی و فهم این اختلافات و تفاوتها انگیزه و سائقه مؤلف پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه نگارنده، نظریه‌های رایج رئالیسم (واقعگرایی) و نئورئالیسم (واقعگرایی ساختارگرا) در این برهه زمانی دیگر قادر به تحلیل و تبیین چرایی تحولات بوقوع پیوسته در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نبوده و لاجرم تئوریهای دیگری همچون تئوری سازه‌انگاری در این راستا کارآمد می‌باشند.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	
طرح مسئله.....الف	
ادبیات مسئله.....و	
هدف پژوهش.....ن	
متغیرهای تحقیق.....ن	
فرضیه های پژوهش.....س	
تعاریف عملی.....س	
پیامد اثبات فرضیه.....ف	
حدود و نقطه تمرکز.....ص	
ساماندهی پژوهش.....ص	

### بخش اول: چارچوب نظری

مسئله ساختار - کارگزار در تحلیل سیاست خارجی.....	۲
چرا نظریه سازه انگاری.....	۲
روش و نظریه در ساختار - کارگزار.....	۱۶
الف) روش فردگرایی.....	۱۶
۱) نظریه انتخاب عقلانی.....	۱۷
۲) نظریه تفسیری.....	۱۹
ب) روش جمع گرایی.....	۲۱
۱) نظریه نو واقع گرایی.....	۲۱
۲) نظریه نظام جهانی.....	۲۴

ج) روش تعاملی ساختار - کارگزار	۲۵
۱) نظریه ساختار یابی	۲۵
۲) نظریه رابطه‌ای - راهبردی	۲۷
۳) مدل‌های جایگزین در تحلیل سیاست خارجی	۲۹
الف) مدل تولیدی	۲۹
ب) مدل تحول یا بین ذهنی	۳۴
ج) مدل فرصتها و خواسته‌ها	۳۶
د) مدل پویایی تحلیل تحول سیاست خارجی	۳۸
تجزیه و تحلیل سیاست خارجی از منظر سازه‌انگاری	۳۹
کاربرد نظریه ساختار - کارگزار در تحلیل رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۴۳

## بخش دوم:

### جهانی شدن و تغییر ساختار نظام بین‌الملل

مقدمه	۴۷
دیدگاه‌های مختلف راجع به جهانی شدن	۵۱
۱) دیدگاه واقع‌گرایی	۵۱
۲) دیدگاه مارکسیستی	۵۳
۳) دیدگاه لیبرالیستی	۵۴
۴) دیدگاه جامعه‌شناختی	۵۷
ابعاد جهانی شدن	۶۱
الف) جهانی شدن اقتصاد	۶۱
شاخصهای جهانی شدن اقتصاد	۶۳



- ۶۳..... ۱- جهانی شدن تجارت
- ۶۵..... ۲- رشد سرمایه گذاری خارجی
- ۶۶..... ۳- شرکتهای چند ملیتی
- ۶۷..... (ب) جهانی شدن سیاست
- ۶۸..... (۱) جهانشمول دموکراسی
- ۷۷..... (۲) جهانشمول حقوق بشر
- ۸۱..... (ج) جهانی شدن فرهنگ
- ۸۶..... تاثیرات جهانی شدن بر سیاست خارجی
- ۸۹..... تاثیر بر ساختار اجرایی سیاست خارجی
- ۹۰..... جهانی شدن ارتباطات و سیاست خارجی دولتها
- ۹۲..... نقش رسانهها در عصر انقلاب اطلاعاتی و تحول سیاست خارجی
- ۹۳..... جهانی شدن حقوق بشر و سیاست خارجی

### بخش سوم: جایگاه ایدئولوژی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

- ۹۸..... مفهوم ایدئولوژی
- ۱۰۰..... ویژگیهای ایدئولوژی
- ۱۰۱..... ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۰۱..... ایدئولوژی اسلامی و سیاست خارجی ایران
- ..... کار ویژههای ایدئولوژی در سیاست خارجی
- ۱۰۲..... ۱- صف آرایی
- ۱۰۳..... ۲- مشروعیت بخشی
- ۱۰۳..... ۳- موضع گرایی
- ۱۰۳..... ۴- دریافت

- الف) نقش ایدئولوژی در راهبردهای سیاست خارجی ایران ..... ۱۰۶
- ب) رابطه ایدئولوژی اسلامی و نقشهای ملی در سیاست خارجی ایران ..... ۱۰۷
- ج) نقش ایدئولوژی اسلامی در اهداف سیاست خارجی ایران ..... ۱۰۸
- محدودیت‌های ساختاری نظام بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۱۲
- ۱) جنگ ایران و عراق ..... ۱۱۲
- ۲) تحریم‌های اقتصادی ..... ۱۱۲
- ۳) طرح مسئله حقوق بشر در ایران ..... ۱۱۳
- بررسی نقش ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی ایران بعد از دهه ۱۹۹۰ ..... ۱۱۴

### بخش چهارم: جهانی شدن و سیاست خارجی ایران دوران آقای خاتمی

- سیاست خارجی ایران در چارچوب رابطه ساختار - کارگزار ..... ۱۲۷
- سیاست خارجی از پیروزی انقلاب تا ۱۳۷۶ ..... ۱۲۷
- گفتمان آرمانگرا ..... ۱۲۷
- سیاست خارجی ایران در دوران نظام نوین بین‌المللی ..... ۱۳۴
- گفتمان اقتصاد محور ..... ۱۳۷
- ۱) نیازها و موقعیت داخلی ..... ۱۴۳
- ۲) مسایل و مشکلات اقتصادی کشور ..... ۱۴۴
- ۳) سیاستهای تعدیل اقتصادی و تحول در رفتار سیاست خارجی ..... ۱۴۷
- سیاست خارجی ایران در دوره آقای خاتمی ..... ۱۵۷
- الف) تاثیر جهانی شدن بر مبنای نظری سیاست خارجی ..... ۱۵۹
- ۱) حاکمیت الهی ..... ۱۶۱
- ۲) نفی سلطه ..... ۱۶۲
- ۳) اتحاد ملل اسلام و نجات ملل محروم ..... ۱۶۵

ب) جهانی شدن و روند تصمیم گیری خارجی ایران.....	۱۶۶
ج) تاثیر جهانی شدن در ساختار اجرایی سیاست خارجی.....	۱۷۰
د) تاثیر جهانی شدن بر استراتژی سیاست خارجی.....	۱۷۱
مبانی سیاست خارجی دولت خاتمی.....	۱۷۸
الف) گفتگوی تمدنها و جهانی شدن.....	۱۸۲
ب) تنش زدایی.....	۱۸۶
تنش زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۹۱
جهانی شدن و روابط خارجی دولت خاتمی.....	۱۹۶
۱- روابط ایران و اتحادیه اروپا.....	۱۹۸
۲- روابط ایران و کشورهای خاورمیانه و عربی.....	۲۰۳
سیاست خارجی ایران و حقوق بشر در دوران خاتمی.....	۲۰۶
نتیجه گیری.....	۲۱۱
کتابنامه و منابع.....	۲۱۶

## طرح مسئله

گفته می‌شود آنجا که سیاست داخلی پایان می‌پذیرد، سیاست خارجی شروع می‌شود. به زعم نگارنده، از مجموع تألیفات و نگاه‌های مربوط به مفهوم سیاست خارجی، شاید بتوان آنرا مجموعه‌ای از استراتژیها و جهت‌گیریهای یک واحد دولت - ملت یا سازمان فراملی نسبت به محیط پیرامونی خود در راستای دستیابی به اهداف و منافع ملی یا مصالح بشری آن واحد یا سازمان برشمرد. با این تعریف، تشکیل پدیده «دولت - سرزمینی» بعد از پیمان وستفاليا در سال ۱۶۴۸ م را میتوان مقطع زمانی حساس و فوق‌العاده‌ای در ظهور و بروز پدیده‌های سیاسی از جمله سیاست خارجی تلقی نمود. هر چند سیاست، اعم از داخلی و خارجی همواره و در همه اشکال دولت وجود داشته است.

با پیچیده شدن جهان واقعی و تنوع علایق و منافع مختلف افراد و جوامع انسانی، از جمله دولت ملت، ضرورت تدوین استراتژی سیاست خارجی بیش از پیش لازم شده است. استراتژی عمومی هر نظام، جایگاه و چگونگی بقاء، انطباق و تحول آن از جمله در حوزه دولت ملت را بطور کلی در مقابل دیگر بازیگران و محیط تعیین می‌کند. این اقدام، معمولاً در جایگاهی و رای دستگاه سیاستگذاری خارجی، و احتمالاً در مراکز هم‌چون مراجع رسمی و غیررسمی تعیین و بعنوان رهنمود برای دستگاه سیاستگذاری خارجی به آن واحد ابلاغ می‌شود. پس از تعیین استراتژی عمومی دستگاه سیاستگذاری از جمله خارجی در قالب این چارچوب کلی استراتژیک، استراتژیهای موضوعی و جزئی بخش خود را به مقتضای موضوعات مختلف امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و یا دانش فنی و یا به مقتضای مناطق مختلف (داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی) تدوین کرده، برای اجرا به واحدهای داخلی و خارجی خود ابلاغ می‌کند. سپس، هر واحد تحت امر و یا نماینده بر حسب موارد خاص، تاکتیکهای عملیاتی را در چارچوب تعیین وظایف تعیین شده‌ای که ابتدا از استراتژی بخشی و در نهایت از استراتژی ملی الهام گرفته است، به کار می‌گیرند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - سید حسین سیف زاده، اصول روابط بین‌الملل «الف و ب»، چاپ چهارم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)، ص ۲۶۶.

از طرف دیگر، گرچه بیش از چهار دهه از عمر تلاشهای منسجم اولیه نظریه پردازی در حوزه سیاست خارجی می‌گذرد، ولی هنوز موفقیت جامعی در این زمینه به دست نیامده است. آنچه هم اکنون در اختیار داریم شامل مجموعه‌ای از مفاهیم غیر متواتر، مفروضه‌های جدال‌انگیز، قضایا و صحبت‌های ناقص از لحاظ متدولوژیک، نامکفی از لحاظ داده‌ها و تصدیق نشده از لحاظ تجربی است. طبیعتاً این نتیجه ناموفق نتوانسته به وجهی قانع کننده به خواست نظریه پردازان و نیاز دست اندکاران سیاست خارجی پاسخ گوید. در این رابطه جیمز روزنا، یکی از برجسته ترین نظریه پردازان این حوزه مطالعاتی، در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی تازه به پیش تئوری: سیاست جهانی در عصر وابستگی فزاینده» که در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسانده، صریحاً به ناتوانی نسبی اغلب نظریه‌ها اذعان کرده و حتی بازسازی کلی طرحهای پیشین خود را امری لازم و ضروری دانسته است.<sup>۱</sup>

ضعف حاصله متدولوژیک ناشی از دو عامل است: اولاً، تأکید نظریه پردازان بر یکی از سطوح تحلیل کلان، یا برعکس خرد موجب ارائه طرحهای غیرجامعی در این باره شده است. البته اقداماتی در جهت تعدیل تئوری سیستمها، به وجهی که بتواند در برگیرنده دو سطح تحلیل باشد بعمل آمده است. متأسفانه حتی این تلاشها بازهم جامعیت لازم برای در برگیری چهار مرحله: درونداد، درون نهاد (تعریف وضعیت)، برون داد، و اجرایی سیاست خارجی را دارا نیست و باید با تکمیل داده‌ها مرمت شوند. ثانیاً، علاقه و شیفتگی نظریه پردازان سطح تحلیل کلان نظام و یا پویش اتصال بین دو سطح کلان و خرد صرفاً به جنبه‌های انتزاعی نظریه پردازی توجه نموده‌اند و یا به قضایای تحلیلی شبیه نظریه پردازی در علوم محض در نظریه پردازی خود اصالت داده‌اند. در نتیجه تلاشهای نظریه پردازانه خاص در سیاست خارجی حدود سه دهه، از اوائل دهه شصت تا اواسط دهه هشتاد را نسبتاً عقیم نموده‌اند.<sup>۲</sup> اما آنچه در این پژوهش مورد توجه می باشد، کار بسته نظریات موجود در ارتباط با سیاست خارجی ایران می باشد لیکن قبل از آنکه به شرح این تلاشها پرداخته شود، در بیان مسئله

<sup>۱</sup> - James N. Rosenau, Pre – Theory Revisited: World Politics in Era of Cascading Interdependence.

*International studies Quarterly*; vol.28 و No . 3;(September 1984)., PP. 45-202

<sup>۲</sup> - سیف زاده، پیشین، صص ۲۹۳-۲۹۲

پژوهش، اشاره‌ای مختصر به تاریخچه سیاست خارجی ایران در مقطع بعد از انقلاب اسلامی لازم می‌باشد.

وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ به همان اندازه که مبین مخالفت تمامی ملت ایران با سیاست‌های داخلی شاه بود، نشان از ناخرسندی از سیاست خارجی او هم داشت. محور حمله مخالفان شاه به سیاست خارجی او را انتقاد از اتحاد عملی او با ایالات متحده تشکیل میداد. وقتی حضرت امام خمینی (ره) در پانزدهم بهمن ۱۳۵۷ مهندس بازرگان را به نخست - وزیر موقت حکومت جدید تعیین کرد، اولویت نخست حکومت او پایان دادن به اتحاد عملی و چاکر منشانه رژیم شاه با ایالات متحده و استوار ساختن مناسبات دو کشور برپایه برابر بود. بازرگان سیاست خارجی خویش را برپایه توازن استوار ساخت. به گفته کریم سنجابی، نخستین وزیر خارجه ایران، انقلابی، سیاست عدم تعهد ایران به چهار رکن استوار بود: «تاریخ، موقعیت ژئوپلیتیک کشور، آرمانهای معنوی و انسانی اسلام و اصل مقابله به مثل در مناسبات با دیگر کشورها»<sup>۱</sup>

تصرف سفارت ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و در پی آن ۴۴۴ روز مساجرای بازداشت کارکنان سفارت آن کشور بوته آزمایش سیاست خارجی انقلابی و آرام‌نگرایانه‌ای شد که ایران را در برابر بیشتر کشورهای جهان قرار داد. مشی تعهد بازرگان، ملت‌گرایانه و سازش‌جویانه و برپایه اصل تاریخی موازنه استوار بود. اما سمت‌گیری جدید آرمان‌گرایانه و انقلابی ایران، نظام موجود جهانی، هنجارهایی که برای رفتار دیپلماتیک می‌شناخت، و حقوق بین‌الملل این نظام را به مبارزه می‌طلبید و دانشجویانی که گروگانهای آمریکایی را در اختیار داشتند معماران اولیه این سیاست خارجی مواجهه‌جویانه بودند.<sup>۲</sup>

برخلاف نظر مردم معمولی، سیاست عدم تعهد ملت‌گرایانه و واقع‌بینانه‌ای که بازرگان در پیش گرفته بود با کنار رفتن او از قدرت در آبان ۱۳۵۸ از بین نرفت. از آن زمان، سیاست خارجی ایران در میانه دو سمت‌گیری عمده در نوسان بوده است. هم ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور و

<sup>۱</sup> - Foreign Broadcast Information service, Daily Reports, Middle East and North Africa (FBIS- MEA), (March 13 - 1979), P.10-12

<sup>۲</sup> - روح‌الله رضانی، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علیرضا طیب، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)

هم صادق قطب زاده، وزیر امور خارجه، پیرو خطی در زمینه سیاست خارجی بودند که به سیاست عدم تعهد ملت گرایانه مصدق و بازرگان نزدیک بود.

از طرف دیگر، آرمانگرایان انقلابی، معماران دیگر سمت گیری اصلی سیاست خارجی ایران بودند. آنان گفته‌ها و سیاستهای امام خمینی (ره) را مطابق تمایلات و منافع خویش تفسیر می‌کردند. از همه بالاتر تفسیر آنان حول دو موضوع اصلی دور میزد: مناسبات ایران با شرق و غرب و صدور انقلاب اسلامی.

اشاره به دو نمونه از برخوردهایی که در جریان بحران و گروگانگیری، میان این دو سمت گیری متعارض سیاست خارجی بروز کرد کافی است. بنی صدر تلاش داشت تا گروگانها را از دست دانشجویان خارج سازد و کنترل آنها را به دولت سپارد. او و قطب زاده از سفر کمیسیون تحقیق سازمان ملل به ایران برای بررسی وضع گروگانها حمایت می‌کردند ولی دانشجویان، مخالف چنین دیداری بودند. نمونه دیگر به مسئله صدور انقلاب باز می‌گردد. دانشجویان در تعقیب هدف صدور انقلاب و بی‌اعتناء به خواسته‌های قطب زاده، وزیر امور خارجه وقت، بانی تشکیل کنفرانسی بین‌المللی با شرکت ۱۶ جنبش آزادیبخش ملی از چهار گوشه جهان شدند. در حالیکه بنی صدر و قطب زاده درست مانند بازرگان مخالف چنین کاری بودند.

حل مسئله بازداشت کارکنان سفارت ایالات متحده نه تنها پایان سیاست خارجی مواجهه جویانه ایران نبود بلکه عملاً موجب تشدید آن شد. در فاصله شش سالی که از تیر ۱۳۶۱ تا تیر ۱۳۶۷ یعنی زمان پذیرش آتش بس از سوی ایران طول کشید سمت گیری آرمان گرایان در عرصه سیاست خارجی غالباً بر سمت گیری واقع گرایان غلبه داشت.

ایران همانطور که از آغاز انقلاب دارای آرمانگرایان خاص خود بوده، واقع گرایان انقلابی نیز داشته است. هر دو اینها معتقد به اسلام بعنوان واحد اولیه و اساس وفاداری مردم در جامعه سیاسی بودند ولی درباره وزن نسبی «ایرانیت» و «اسلامیت» در هویت ایرانیان اختلاف نظر شدیدی با هم دارند. آرمانگرایان، هوادار انقلاب جهانی و خواهان ایجاد نظم اسلامی در همین حال حاضر هستند و

از سوی دیگر، واقع گرایان هم که آرزوی ایجاد یک نظام جهانی اسلامی را در دل دارند می‌خواهند با واقعیت‌های نظام بین‌المللی موجود کنار آیند.

از این رو میتوان گفت که بر سر تفسیر دو اصل «نه شرقی نه غربی» و «صدور انقلاب» بین این دو گروه یا دسته اختلاف وجود داشت. از طرف دیگر مسئله بازسازی کشور پس از جنگ، آتش بحث و جدل آرمانگرایان و واقع گرایان را بر سر مشارکت سرمایه و دانش فنی خارجی در اقتصاد ایران تیزتر کرد. در مورد اصل صدور انقلاب، واقع گرایان اصرار داشتند که انقلاب اسلامی باید نخست در داخل یا آنچه خود «سنگر اسلام» می‌خوانند، پا بگیرد و تفسیرشان از اصل نه شرقی نه غربی، نفی سلطه بیگانه بود نه گسستن رشته ارتباط با دیگر کشورها. بنابراین بیراهه نیست اگر فاصله زمانی ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۶ را دوران واقع گرایی انقلابی با رویکرد اقتصاد محور بنامیم که نماینده اصلی این تفکر و خط مش آقای هاشمی رفسنجانی می‌باشد.

در این راستا، تقارن بی‌سابقه‌ای از تغییرات چشمگیر در ساختارهای قدرت در داخل و خارج از ایران، آرام آرام سیاست خارجی ایران انقلابی را دستخوش دگرگونی می‌سازد. در داخل، رحلت حضرت امام خمینی (ره) در خرداد ۱۳۶۸ و ظهور نقش آفرینی آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبر و علی اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور و در خارج نیز جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی آرام آرام ولی به شکل قاطع آموزه‌ها و رویه‌های عملی ایران را در عرصه سیاست خارجی دگرگون می‌سازد. اصل محوری سیاست خارجی ایران در دوران رهبری حضرت امام (ره) یعنی «نه شرقی نه غربی» چه در نظریه و چه در عمل سیاست خارجی ایران تحت الشعاع اصل تازه‌ای قرار می‌گیرد. که میتوان آن را «هم شمالی، هم جنوبی» خواند. بهبود روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس مهار عراق، ثبات آفرینی در آسیای شمال غربی، برقراری پیوندهای دو جانبه و مناسبات چند جانبه، خویشتنداری بیشتر با آمریکا، ... از جمله مظاهر این سیاست خارجی جدید می‌باشد.



با برگزاری انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و روی کار آمدن آقای خاتمی بعنوان پنجمین رئیس جمهور کشور، دور تازه‌ای از تحولات و تغییرات در سیاستهای داخلی و علی‌الخصوص خارجی ایران رخ می‌دهد که وجه مشخصه آن دموکراسی در داخل و صلح با جهان در خارج می‌باشد و از اصول اعلامی آن میتوان به اصل « تنش‌زدایی » و « گفتگوی تمدنها » یاد کرد. در واقع سرعت تحولات و چرخش سیاست خارجی ایران آنقدر پرشتاب بوده است که هم تحلیل‌گران داخلی و هم ناظران خارجی را به طرح این سؤال واداشته است که:

چه عوامل و علت‌هایی باعث تغییر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی ( ۸۴-۱۳۷۶ ) گردیده‌اند؟

## ادبیات مسئله

در نگاهی کلی باید گفت که مجموعه نوشتارهای مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در یک دسته بندی عام به چهار گروه قابل تقسیم‌اند و البته این تقسیم بندی بسیار کلان بوده و در مواردی، هم پوشانی بین دسته‌هایی که مستقلانه ذکر می‌شوند، وجود دارد. دسته اول نوشته‌های مربوط به سیاست خارجی ایران، به دوره بندی تحولات سیاست خارجی در بیست و نه ساله گذشته می‌پردازند و عمدتاً چهار دوره « تثبیت انقلاب»، « دوره جنگ»، « دوره سازندگی» و « دوران تشنج‌زدایی» را مطرح می‌کنند.

دسته دوم را می‌توان از زاویه نگرش و گفتمان حاکم بر نوشته مورد مذاقه قرار داد که مهمتر از دسته بندی فوق بوده و نحوه نگاه به سیاست خارجی ایران را بیشتر شکل می‌دهند. در این خصوص ما با چهار نگرش و گفتمان روبرو هستیم. «گفتمان امنیتی»، «گفتمان ایدئولوژی»، «گفتمان ژئوپولیتیک» و «گفتمان بوروکراتیک». در گفتمان امنیتی مطالعه سیاست خارجی ایران که اغلب نوشته‌های منتشر شده در غرب بخاطر آمریکا را در بر می‌گیرد و به خاطر جهانی شدن ادبیات روابط بین‌الملل آنگلو ساکسونی، حوزه‌های غیر غربی را بعضاً از خود متأثر می‌سازد رفتار خارجی ایران، تهدیدزا معرفی شده و مجموعه مناسبات خارجی ایران، تهدیدی علیه امنیت دیگران و مواردی حتی

تهدیدی علیه امنیت جهان قلمداد می‌گردد. این خط از تولید فکری در بیست و نه سال گذشته، تداوم ولی از نقطه تمرکز موضوعی، متغیر بوده و در چند سال گذشته بر محور بحث در مورد مناسبت‌های هسته‌ای ایران می‌چرخد.

گفتمان ایدئولوژیک، تمامیت سیاست خارجی ایران را تبلور ایدئولوژی مشخص می‌داند و هرگونه رفتار خارجی ایران را از دریچه ایدئولوژیک می‌نگرد. جالب است که ایدئولوژیک‌نگری به سیاست خارجی ایران در مواردی خود تبدیل به یک ایدئولوژی به مفهوم علوم اجتماعی خود شده و از قبل به قضاوتی نهایی در مورد رفتارهای سیاست خارجی ایران می‌پردازد.

گفتمان ژئواستراتژیک، صرفاً تداوم‌های ژئوپلیتیک ایران را عامل اصلی رفتارهای خارجی ایران و رفتار دیگران با ایران معرفی می‌کند. گفتمانها و نگرشهای ژئوپلیتیک، جغرافیای ایران را در کانون اصلی تجزیه و تحلیل قرار داده و سایر عناصر را کمتر در تجزیه و تحلیل مداخله می‌دهند.

گفتمان بوروکراتیک، تحلیل سیاست خارجی ایران و در گرو فهم منازعات بوروکراتیک و سازمانهای حکومتی، جناح بندیهای سیاسی و شخصیتها و افراد درگیر در بوروکراسی سیاست خارجی اعم از تصمیم گیرندگان سطوح بالا تا کارگزاران دره‌های میانی می‌داند.

دسته سوم ناظر به منطقه بندی بوده و سیاست خارجی ایران را با منطقه و کشور خاص مورد پوشش قرار می‌دهند. در این میان کشورها و مناطق مختلف، روابط ایران و آمریکا، نگرش ایران به جهان اسلام و حوزه خلیج فارس خاورمیانه، مناسبات ایران و عراق به خصوص در دوران جنگ و پایان جنگ بیشترین حجم منطقه گرایی و کشورگرایی پژوهشی در سیاست خارجی را بخود اختصاص می‌دهد.

و دسته آخر مربوط به نوشتارهایی می‌شود که با تکیه بر نظریات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی سعی نموده‌اند تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در هر یک از ابعاد استراتژیها، جهت گیریها اهداف و مبانی با یکی از تئوریه‌ها و نظریات تحلیل نمایند.

احمد نقیب زاده در اثر خود به نام «تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» ضمن تقسیم بندی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی هر کشور به دو دسته داخلی و خارجی،

عامل فرهنگ را جزو عوامل داخلی پایدار می‌داند. ایشان با تعریف و بر شمردن کار ویژه‌های عنصر فرهنگ اعتقاد بر آن دارند که فرهنگ ملی از طریق فرهنگ سیاسی و دگرگونی که در روحیه ملت و ارزشهای آن بعد از انقلاب اسلامی به وجود آورد، بر روابط خارجی ایران تأثیر گذاشته است. از این دیدگاه، عناصری همچون نبرد خیر و شر، مبارزه علیه استکبار، امر به معروف، دنیا گریزی، ظلم ستیزی، خدامحوری از جمله عناصر فرهنگ ملی ایران - اسلامی هستند که بر سیاست خارجی و دیپلماسی کشورمان طی مدت نزدیک به سی سال گذشته تأثیر گذار بوده‌اند. هرچند این اثر در گفتمان خود، اشاره چندانی به نقش فرهنگ ملی بر شکل‌گیری سیاست خارجی دوره خاتمی نمی‌کند.<sup>۱</sup>

روح الله رضانی با مطرح نمودن مفهوم «نوسازی» یا Modernization در مورد کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، سیاست خارجی اینگونه کشورها را تا حد زیادی تابع این مفهوم می‌داند. از نظر وی با توجه به سرشت خاص و دامنه مسایل نوسازی در کشورهای تازه تأسیس تکوین و توسعه سیاست خارجی آنها نیازمند مفهوم پردازی است و هرگونه مفهوم پردازی برای این منظور باید بر تعاملات تنگاتنگی که میان سیاست خارجی (از نظر گوهر و فرایند) و توسعه سیاسی از یکسو و نظام بین‌المللی از سوی دیگر وجود دارد تأکید داشته باشد.<sup>۲</sup> از طرف دیگر مفهوم کلیدی بررسی سیاست خارجی در جوامع در حال نوسازی از جمله ایران، آزادی عمل یا Autonomy می‌باشد؛ و در این راستا تلاش کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به آزادی عمل، همبستگی نزدیکی با تلاش برای احراز سیاست خارجی نسبتاً فعالتر، پاسخگوتر، متنوعتر، همسازتر، پیچیده تر و مؤثرتر دارد.

وی در مورد عوامل مؤثر بر تغییر سیاست خارجی در زمان آقای خاتمی، به نقش خواسته‌های مردم و نخبگان ایران در داشتن دموکراسی در داخل و صلح با جهان خارج تأکید ورزیده و اندیشه‌های شخص آقای خاتمی را در این باره مهم می‌داند. علیرضا ازغندی، استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در کتاب خود معتقد است که هیچ یک از مکاتب آرمانگرایی، واقع گرایی و رفتار گرایی به

<sup>۱</sup> - احمد نقیب زاده، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱) ص

<sup>۲</sup> - روح الله رضانی، پیشین ص ۲۹

تنهایی قادر به تحلیل و تبیین چرایی سیاست خارجی ایران به طور اعم و دوره آقای خاتمی بطور اخص نیستند و باید از یک تحلیل علمی چند سببی استفاده کرد تا بتوان اصول، سیاستها، ساختارها، روندها و خصوصیات عاملین دیپلماسی را تبیین نمود. ایشان با تقسیم بندی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب به چهار گفتمان مصلحت محور یا واقع گرا (۵۸-۱۳۵۷) گفتمان ارزش محور یا آرمانگرا (۶۸-۱۳۷۶) تحولات رخ داده یا عملگرا (۷۶-۱۳۶۹) و گفتمان فرهنگ گرای سیاست محور (۸۴-۱۳۷۶) تحولات رخ داده در گفتمان چهارم در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی را ناشی از تغییر و تحولات بنیادی در روابط بین الملل، افزایش جمعیت کشور و در نتیجه جوان شدن جامعه و طرح خواسته‌ها و مطالبات جدید که باعث تعدیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی شد، عنوان می‌نمایند.<sup>۱</sup>

سید حسین سیف زاده نیز در کتاب سیاست خارجی ایران خود، با الهام از نظریه «بازی بوزان»، متغیر مستقل تعیین کننده سیاست خارجی یک کشور از جمله ایران را مقدمات ملی و محذورات محیطی تعریف می‌نمایند. مقدمات ملی تابعی از دو دسته قدرتهای نرم افزاری (حقانیت، مدیریت و...) و سخت افزاری (ساختار قدرت نظامی، اقتصادی و ... ارتباطی) است و محذورات محیطی معطوف به مسایلی چون نظم جهانی، نظام سلسله مراتبی غیر دستوری، عوامل قدرت، فرایند جهانی شدن، انقلاب اطلاعات و فناوری می‌باشد. از دیدگاه ایشان عوامل محیطی همچون درهم کوبیده شدن عراق، فروپاشی شوروی، ظهور جمهوریهای تازه تأسیس جدا شده از شوروی و بحران افغانستان همگی توجه جدیدی را می‌طلبد و در این میان فروپاشی اتحاد شوروی و تغییر رژیم در افغانستان و عراق، بزرگترین تحول منطقه‌ای بوده‌اند که نه تنها منطق نظام بین‌الملل بلکه رفتار خارجی واحدهای سیاسی بویژه در محیط امنیتی ایران را دگرگون ساخته‌اند. این امر سبب شده تا عموم دولتها به تغییرات استراتژی سیاست خارجی خود دست بزنند، در مورد ایران این تغییر استراتژی، حرکت موازنه منفی (اصل نه شرقی نه غربی) و موازنه مثبت منفعلانه به سمت موازنه مثبت فعالانه می‌باشد. دکتر سیف زاده در همین اثر خود چنین عنوان می‌کند که در تعیین چگونگی

<sup>۱</sup> - علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۱) صص ۱۹-۹